



۲۱ شهریور در تقویم با نام «روز ملی سینما» نامگذاری شده است. بدون تردید، تعیین روزی برای پاسداشت سینما برای همه مردم و به‌ویژه علاقه‌مندان به این هنر باعث افتخار و خوشحالی است، اما مهم‌تر از دیده شدن نام روز سینما در برهه‌های تقویم، که اقدامی نمادین و استعاری است، حقیقتی بزرگ و ارزشمند با عنوان «سینمای ملی» است. جای تعجب است که چند سال قبل وقتی عنوان روز ملی سینما از تقویم حذف شد، همه اهالی و دوستداران نگران و معترض شدند، اما هیچ‌گاه نسبت به تضعیف و کم‌رنگ شدن سینمای ملی چنین واکنشی نداشتند؟

چرا فیلم‌سازها و بازیگران و تهیه‌کنندگان، همیشه نهاده‌ا و جریان‌های غیرمرتبط با سینما را به خاطر انتقاداتی که نسبت به مسائل و کژتابی‌های سینما وارد می‌دانند، متهم می‌کنند، اما هیچ‌گاه نسبت به افراد و جریان‌های داخل خانواده سینما که رفتارهایی آسیب‌زا دارند اعتراض نمی‌کنند؟ واقعیت این است که عامل همه ضعف‌ها و مشکلات کنونی سینمای ایران را باید درون خود این فضا جست‌وجو کرد. وقتی تاریخ و فراز و نشیب‌های هنر هفتم در ایران را مطالعه می‌کنیم، می‌توان به سادگی ریشه خیلی از تالطم‌های امروز آن را دید.

سینمای ملی یعنی سینمایی که منعکس‌کننده فرهنگ، ارزش‌ها و آرمان‌های یک ملت باشد. در ایران، سینما تنها با پیوند میان تاریخ، جغرافیا، مردم و قومیت‌ها و همه مهم‌تر، دین و مذهب پدیدار می‌شود. محدود فیلم‌هایی هم که از آنها به عنوان آثاری ملی یاد می‌شود، در بردارنده این عناصر هستند.

با این حال، بخش اعظم فیلم‌های سینمای در مقایسه خرابکاری‌های داخل کشورمان، پیش و حین جنگ تحمیلی ۱۲،روژه رژیم غاصب صهیونیستی با دوران خرابکاری منافقین در دهه شصت هر دو را شبیه هم و هدف مشترک دشمنانمان می‌بینیم، فقط نام آن تغییر یافته اما هدف اصلی آن جنگ و این جنگ ۱۲،روژه، تجزیه ایرانمان بوده است. سروش محمدزاده در جدیدترین کار خود سریال «عملیات مهندسی» را راهی آنتن شبکه سه کرد. محمدرضا شعبی، تهیه‌کننده پر کار، این‌بار در کنار محمدزاده «عملیات مهندسی» را با موضوع خرابکاری‌های منافقین برای تلویزیون تولید کردند. در «عملیات مهندسی» می‌بینیم که چگونه ذهن نوجوانان از طریق فریبا (سوگل طهماسبی) دبیر ادبیات دبیرستان علیه ایران شست‌وشو داده شده و آنان را وادار به مواجهه با انقلاب اسلامی می‌کنند. کسی که خود فریب‌خورده و طعمه همسر پزشکش، محمد(خام‌وقار کاشانی) است که در نهایت هر دوی اینها در یک عملیات فریب فدای خودخواهی‌های منافقین و باعث مرگ دل‌خراش خودشان و جنین چند ماه‌شان می‌شوند.

این سربال حول خانواده رضا شکوری (حمید گودرزی) یک پاسدار امنیتی که مهندس برق است،

۲۵ سال اخیر ما، فرزند زمان و زمانه خویش نیستند و قابلیت نمایش واقعیت‌ها و روح ملی را ندارند. جای اتفاقاتی چون هجوم بیگانگان در مقاطع مختلف تاریخی و مقاومت‌های مردمی،

انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و کشمکش‌هایی که طی چند سال اخیر به وقوع پیوستند و...، اما متأسفانه سینمای ما- به جز تعداد انگشت شماری از فیلم‌ها- با این واقعیت‌ها فاصله دارد.

این از خودبینی‌نگری رخنه کرده در جسم و روح هنر هفتم ایران سرمنشأ همه مشکلات و مسائل ناگواری است که در آن رخ می‌دهد. چنانچه فاصله سینما و سینماگران ما با مردم، دین،

فرهنگ و تاریخ و جغرافیای ایران کم شود، بدون تردید بسیاری از چالش‌ها هم از میان خواهد رفت. چراکه همواره به وجود آمدن بحران در سینما نتیجه آرمان‌زدایی، بی‌هویتی و اسیر

روایت شده و فقط الهام، همسرش (لیلا اوتادی) خیر از غیبت‌های طولانی او در منزل و خدمت به سپاه و پاسداری از اهداف انقلاب اسلامی دارد. مادر او (مریم سعادت) که فرزند، خواهر و همسر شهید است متوجه روابط مشکوک سمیه، دختر نوجوانش (یاسمن معاوی) با دوستانش می‌شود و با حساسیت‌های مادرانه‌اش از به دام افتادن دخترش در تله منافقین جلوگیری می‌کند.

گروه‌کسی که دیگران را پله پیشرفت خود می‌کنند و در صورت احساس خطر آنان را مجبور به پایان دادن زندگی خود با مصرف قرص سیانور می‌کنند. منافقین خود را مجاهدانی برای آزادی و شهید است متوجه روابط مشکوک سمیه، دختر نوجوانش (یاسمن معاوی) با دوستانش می‌شود و با حساسیت‌های مادرانه‌اش از به دام افتادن دخترش در تله منافقین نویسنندگان این سریال به مخاطبان

قصه ازدواج با مسعود، خواستگار پاسدار مُصرّی که پافشاری به این ازدواج را دارد، می‌کند. اما پیش به نتیجه رسیدن این ازدواج خرابکارانه، منافقین با فرامدھی شانه‌ساز (نادر سلیمانی) طرح ترور افروزمنش که یکی از مدیران مهم شرکت نفت است به همراه همسرش در خانه‌شان را عملی می‌کنند. تلاش مسعود و همکارانش با فرامدھی علی دهکردی برای دستیابی به عاملان این ترور

قصه ازدواج با مسعود، خواستگار پاسدار مُصرّی که پافشاری به این ازدواج را دارد، می‌کند. اما پیش به نتیجه رسیدن این ازدواج خرابکارانه، منافقین با فرامدھی شانه‌ساز (نادر سلیمانی) طرح ترور افروزمنش که یکی از مدیران مهم شرکت نفت است به همراه همسرش در خانه‌شان را عملی می‌کنند. تلاش مسعود و همکارانش با فرامدھی علی دهکردی برای دستیابی به عاملان این ترور

## «عملیات مهندسی»؛ بازنمایی وطن‌فروشان

شکوفه مظفری‌پور

خود می‌دهند حضور لیلا (ناهید استواری) دختر دانشجویی که در منزل فریده (شبهین تسلیمی) افروز منش (محمود پاک‌نیت) از دوستان خانوادگی‌شان در تهران است. لیلا که با معرفی مادر بزرگ مسعود (ثریا قاسمی) با مسعود (مرتضی امینی‌تبار) آشنا شده با دستور عزت (مهدی ماهانی) و خسرو (یوسف تیموری) رابطان سازمان منافقین

آنها را به منبع نفوذ که لیلا است می‌رساند. سکاسن به سکاس این دست از خرابکاری‌ها، این شیوه گزارش از افراد تاثیرگذار در جامعه به دشمنان‌گویی‌شان در تهران است. لیلا که با معرفی در خردادماه امسال در جنگ تحمیلی بر کشورمان با فعالیت‌های خرابکارانه نفوذی‌های مپهن‌فروش تجربه کردیم.

## رتگ مجازی-جنگ ترکیبی

## پروپاگاندا‌ی محاسباتی در ۱۲ روز

عزیزالله محمدی(امتدادجو) ▶

همان‌طور که طی چند ماه گذشته پس از جنگ دوازده‌روزه بارها به انواع تکنیک‌ها و سناریوهای رسانه‌های وابسته به رژیم صهیونیستی اشاره داشتیم؛ بزرگ‌ترین هدف رسانه‌ای این رژیم- به ویژه با استفاده از رسانه‌های فارسی‌زبان از جمله شبکه‌های اینترنت‌شنال و بی‌بی‌سی و... و با تمرکز بر فضای مجازی- باورپذیر کردن و جذاب ساختن القاتات این شبکه‌ها به مخاطب بود که بهترین روش برای انجام این مهم «دراماتیزه» شدن بخش‌های خبری و برنامه‌های تحلیلی و گزارشی بود که به‌طور شبانه‌روز حتی بعد از توقف جنگ و به اصطلاح بعد از آتش‌بس نیز ادامه داشت.

چنان‌که در دو یادداشت قبلی نیز پیرامون این موضوع، مطالبی بیان داشتیم؛ این راهبرد (دراماتیزه کردن سناریوهای خبری و رسانه‌ای) با تکیه بر نظریه‌های اثبات‌شده و متنوع رسانه‌ای مقابل قصاب دوربین این شبکه‌ها به نمایش درمی‌آید که نظریه «کادرسازی و نمایش گافمن» و نظریه «برجسته‌سازی و دست‌نور کارگذاری (مک کومبز و شاو)» را در این خصوص بررسی کردیم و ذکر شد که در طی به‌کارگیری این تکنیک‌ها و نظریه‌ها، رژیم صهیونیستی تلاش می‌کرد- و کاملاً سعی دارد- تا در خلأ و سکوت رسانه‌ای تحمیلی بر فضای رسانه‌ای داخل ایران، این راهبرد، منتج به واکنش‌های اعتراضی و شورش در جامعه گردد. در ادامه می‌توان حلقه مهم‌تر و نمایان‌تری از این راهبرد را در قالب نظریه «پروپاگاندا‌ی محاسباتی» یا تمرکز برر نظریه «وولریج» و «هواره» را مورد کنش‌اکار قرار داد که در محیط گسترده‌تری نسبت به دو نظریه قبلی قابل احصاء و استناد است.

در این ایام رسانه‌های فارسی‌زبان معاند و رسانه‌های نظام سلطه، هر کدام با تقسیم وظایف و بنا زاویه عملکرد مختلف تلاش



به نسبت‌های مختلف در وقایع گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است؛ از جمله:

انتخابات و رفراندوم‌ها؛ در برخی کشورها، با وجه تمایزها و تفاوت‌هایی نسبت به هم از ربات‌ها برای تاثیرگذاری بر نتایج انتخابات از طریق انتشار اخبار جعلی و ایجاد جوسازی استفاده شده است؛ تفاوت پروپاگاندا‌های کلاسیک با پروپاگاندا‌ی محاسباتی در مقایسه با مدل‌های کلاسیک (مانند مدل هرمان و چامسکی) دارای تمایزات کلیدی است؛ مثل، مقیاس و سرعت؛ با استفاده از ربات‌ها و هوش مصنوعی، پیام‌ها با سرعت و مقیاس بی‌سابقه منتشر می‌شوند. هدف‌گیری دقیق: الگوریتم‌ها وامکان هدف قرار دادن گروه‌های جمعیتی خاص به محتوای متناسب که در فرایند برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی تعریف می‌شود. می‌رود. در دنیای امروز، به‌ویژه در سناریوهای رسانه‌ای جهان غرب (جهان سلطه)، پروپاگاندا

**تکنیک‌های پروپاگاندا در رسانه‌های غرب** برچسب‌زنی: استفاده از اصطلاحات تحقیرآمیز برای توصیف دشمنان یا مخالفان. تکرار: تکرار پیام‌های خاص تا در ذهن مخاطب تثبیت شوند. توسل به احساسات: استفاده از ترس، غرور ملی یا سایر احساسات برای اجتناب از تحلیل منطقی. استفاده از نمادها و شعارها: به کارگیری نمادها (مانند پرچم) یا شعارهای احساسی برای بسیج افکار عمومی. دستکاری اطلاعات: ارائه آمار غلط یا تحریف واقعیت‌ها برای پیشبرد اهداف خاص. پروپاگاندا در عصر دیجیتال: در عصر حاضر، پروپاگاندا با استفاده از فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی به سطح جدیدی رسیده است. الگوریتم‌های پلتفرم‌هایی مانند فیس‌بوک، توئیتر، گوگل، اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی با اولویت‌دهی به محتوای خاص، به گسترش پروپاگاندا کمک می‌کنند و همچنین، ربات‌های خودکار (bots) و حساب‌های جعلی رای تاثیرگذاری بر افکار عمومی و انتشار گسترده پیام‌های جهت‌دار استفاده می‌شوند.

در نتیجه، به طور مسلم می‌توان گفت که پروپاگاندا و این روش رسانه‌ای مبتنی بر نظریه محاسباتی در جهان غرب به عنوان ابزاری برای شکل‌دهی به افکار عمومی و پیشبرد اهداف سیاسی و ایدئولوژیک به کار می‌رود که با وجود تفاوت در روش‌ها و تکنیک‌ها، هدف نهانی آن همسان و همسو است؛ از جمله، ایجاد رضایت یا عدم رضایت و جهت‌دهی به رفتارهای جمعی بدون استفاده از زور فیزیکی؛ در واقع آن چیزی که در تمام رسانه‌های وابسته به جهان غرب بالجمله، در جنگ ۱۲روزه ایران و اسرائیل دیدیم و به طور قطع راهکار مقابله با پروپاگاندا‌ی برساخته رسانه‌های غربی آگاهی از تکنیک‌های پروپاگاندا و ترمیم سواد رسانه‌ای است که می‌تواند به مردم کمک کند تا در برابر تاثیرات آن مقاومت کنند.

**منابع:**

- کتاب «پروپاگاندا» اثر ادوارد برنیز.
- کتاب «کنترل رسانه‌ها» اثر نروم چامسکی.
- کتاب Computational Propaganda: Political Parties, Politicians, and Political Manipulation on Social Media اثر وولریج و هواره.

با ابزارهای پیشرفته و روش‌های ظریف‌تری اجرا می‌شود. در رسانه‌های جهان غرب مفهوم دقیق پروپاگاندا و کارکردها و تکنیک‌های آن مبتنی بر اهداف کلان سیاسی و تبلیغی شکل می‌گیرد؛ در واقع پروپاگاندا نوعی ارتباط جهت‌دار است که با هدف تاثیرگذاری بر نگرش‌ها و رفتارهای جمعی طراحی می‌شود. این مفهوم معمولاً با ارائه گزینشی اطلاعات، تحریف واقعیت یا ایجاد روایت‌های خاص برای پیشبرد اهداف سیاسی یا ایدئولوژیک همراه است. ریشه‌های تاریخی: پروپاگاندا ریشه در تاریخ دارد و از دوران باستان برای کنترل افکار عمومی استفاده می‌شده است. در قرن بیستم، این مفهوم به‌ویژه در رژیم‌هایی مانند نازیسم و فاشیسم به اوج خود رسید و دارای تقسیم‌بندی براساس میزان صحت و منابع اطلاعات است که در سه سطح می‌توانیم آن را تقسیم‌بندی کنیم:

(پروپاگاندا‌ی سفید): که در آن منبع پیام آشکار است و اطلاعاتی نسبتاً دقیق ارائه می‌دهد، اما با گزینش اطلاعات برای پیشبرد اهداف خاص.

(پروپاگاندا‌ی خاکستری): که در آن منبع پیام مهم است و اطلاعات واقعی با تحریف و اغراق ترکیب می‌شوند.

(پروپاگاندا‌ی سیاه): که در آن منبع پیام جعلی است و اطلاعات کاملاً نادرست یا فریبیده ارائه می‌شود.

**راه‌کرد پروپاگاندا در جهان غرب**

در جهان غرب، پروپاگاندا عمدتاً از طریق رسانه‌های بزرگ، شبکه‌های اجتماعی و نهادهای سیاسی اجرا می‌شود و برخی از کارکردهای اصلی آن عبارتند از:

۱- تثبیت گفتمان مسلط: رسانه‌های غربی با تمرکز بر روایت‌های خاص، گفتمان‌های مسلط را تقویت می‌کنند و alternatives را حذف یا حاشیه‌ای می‌کنند. این امر به ویژه در پوشش رویدادهای بین‌المللی مشهود است.

۲- ایجاد دشمن مشترک: پروپاگاندا به‌طور غالب (often) با ایجاد «دیگری» یا دشمنی مشترک (مانند تروریست‌ها، رژیم‌های مخالف، یا قدرت‌های رقیب و...) سعی در یکپارچه کردن افکار عمومی دارد.

۳- تاثیرگذاری بر انتخابات و سیاست داخلی: در کشورهای غربی، پروپاگاندا برای تاثیرگذاری بر نتایج انتخابات و جهت‌دهی به سیاست داخلی به کار می‌رود. این امر ممکن است از طریق تبلیغات منفی، شایعه‌پراکنی یا دستکاری اطلاعات انجام شود.

اصیل دینی نزدیک هستند و بازتاب‌دهنده بخشی از واقعیت‌های تاریخی و امروزی کشور ایران هستند.

سینمای ملی اما با حمایت‌های مقطعی و خاص، تقویت نمی‌شود. بلکه ظهور و بروز یک جریان در عرصه‌های فرهنگی مانند سینما تنها زمانی امکان‌پذیر می‌شود که راهبردها و بسترهای لازم برای آن ایجاد شود. از جمله مهم‌ترین راهبردها، برای درازمدت، تحول در نحوه آموزش سینما به دانشجویان و هنرچویان این رشته است. متأسفانه آنچه در نظام آموزشی ما به عنوان سینما درحال تدریس است، به بازتولید همان دو نوع سینما (تجارتی و شبه‌روشنفکری) منجر می‌شود. چون مبانی و موادی که برای آموزش هنر هفتم در مراکز آموزشی دولتی و غیردولتی چه در سطح دبیرستان و چه دانشگاه به خود هنرآموزان داده می‌شود، بسیار کهنه و بی‌ربط با نیازهای زمان و جامعه ما هستند. در کوتاه‌مدت نیز باید سازوکارهای تولید و اکران آثار تغییر پیدا کند.

امروزه شرایط به‌گونه‌ای است که فیلم‌هایی با مؤلفه‌های ارزشی و ملی، هم در تولید با دشواری‌هایی مواجه هستند و هم در اکران با محدودیت و بی‌مهری روبه‌رو می‌شوند، اما فیلم‌های صرفاً گیشه‌ای، هم بدون هیچ دشواری خاصی به تولید می‌رسند و هم اینکه در اکران با استقبال سینماداران یا حمایت‌های جشنواره‌ها و محافل خارجی همراه می‌شوند. پس در اولین قدم برای تقویت سینمای ملی باید این سازوکارها تغییر پیدا کند.

به امید اینکه روز ملی سینما در سال‌های آینده، شاهد وفور آثاری برخوردار از مؤلفه‌های سینمای ملی بر پرده سینماها باشیم.